

اثر اندازه بانک بر ریسک اعتباری و نقدینگی آن مطالعه موردی: بانک ملت

امین محمدی^۱، سید فخرالدین فخر حسینی^{۲*}

^۱ کارشناس ارشد مدیریت دولتی گرایش مالی دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن (نویسنده مسئول)

^{۲*} استادیار گروه مدیریت بازرگانی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

ریسک همواره همراه زندگی انسانها و سازمانها بوده است و کلیه موقعیت های تصمیم گیری با یک نوع یا طیف متنوعی از ریسک ها روبرو می باشند در طبقه بندی ریسک هایی که یک بانک یا موسسه اعتباری در طول حیات خود با آن روبرو است. هدف تحقیق حاضر اثر اندازه بانک بر ریسک نقدینگی و اعتباری بانک ملت می باشد دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ بوده که داده های مورد بحث در آن به صورت ماهانه از فروردین ۱۳۸۹ الی اسفند ۱۳۹۴ جمع آوری و تجزیه و تحلیل گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش تجزیه و تحلیل سری زمانی و رگرسیون OLS استفاده گردید که نتایج نشان داد که از بین دو شاخص تبیین ریسک اعتباری، اندازه بانک بر شاخص نسبت وام به کل دارایی ها اثر منفی و معناداری داشته است.

واژگان کلیدی: اندازه بانک، ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی

۱- مقدمه

امروزه با جهانی شدن اقتصاد و تشدید رقابت بین بانکها، حاشیه سود فعالیت های سنتی بانکداری کاهش یافته و موجب افزایش ریسک در بانکها گردیده است. ضعف های موجود در سیستم بانکی کشور، احتمال تحریم سیستم بانکی کشور در مجامع بین المللی، الزامات کمیته بال، کاهش حمایت های دولت، ریسک بحران و یورش به بانکها، زبان های حاصل از معاملات، نوسان نرخ دارایی ها و بدهی های ارزی، افزایش عدم اطمینان در بازار، نگهداری بیش از حد دارایی های نقدی در ترازنامه بانکها، افزایش روند ورشکستگی شرکت های بزرگ اخذ کننده اعتبار در کشور، افزایش عوامل ریسک در بانکها و موسسات اعتباری بدلیل روابط اقتصادی ناشی از جهانی شدن و توسعه و نوآوری ابزارهای پولی و مالی مشکلاتی است که موسسات بانکی کشور را تهدید می کند. با توجه به مشکلات پیش روی موسسات بانکی، مدیریت ریسک بعنوان عاملی که نقش موثری در کسب مزیت رقابتی ایجاد می کند، بایستی در این موسسات و سایر موسسات مالی و اعتباری به شدت مورد توجه قرار گیرد (تقوی و خدایی واله زاهد، ۱۳۸۹).

بانکداری در دهه های گذشته در طی مقررات زدایی و جهانی شدن بازارهای مالی یک سری تغییرات اساسی را تجربه نمود. از این رو سیستم بانکداری هنگام پاسخ منطقی به بخشهای مالی، قسمت های تمرکز یافته بیشتری را تجربه می کند (ترازا^۱، ۲۰۱۵). وقوع بحران های مالی اواخر دهه هفتاد، اوایل دهه هشتاد و اواخر دهه نود میلادی، موج عظیمی از تغییرات در عرصه بین المللی ایجاد کرد. این بحران ها باعث افزایش هشیاری بانکها و مقررات گذاران برای نظارت بیشتر بر انواع ریسکها در موسسات مالی و بانکی شد. به دنبال وقوع بحران های بانکی، کشورهای "گروه ده"^۲ به منظور جلوگیری از وقوع چنین بحران هایی "کمیته بال"^۳ را تشکیل دادند. این کمیته یکی از چهار کمیته ای است که توسط "بانک تسویه بین المللی"^۴ به منظور نظارت بر بانک های مرکزی تشکیل شده است. "کمیته نظارت بانکی بال"^۵ بعنوان یکی از مراجع فعال در عرصه استانداردها، "مبانی اصولی نظارت موثر بر امور بانکی"^۶ را در قالب ۲۵ اصل ارائه داده است.

امروزه کلیه بانکها در جریان عملیات خود با ریسک هایی مواجهند که قادر به از بین بردن آنها نبوده اما امکان مدیریتشان وجود دارد. بنابراین بانکها برای ادامه حیات خود باید ریسکها را کنترل نموده و کاهش دهند که برای این کار، شناسایی عوامل مؤثر بر ریسک های مختلف بسیار راهگشا خواهد بود. (عرب مازیزدی، ۱۳۹۲). دو نوع از مهم ترین ریسک های مرتبط با فعالیت بانکی، ریسک اعتباری و نقدینگی می باشند. ریسک اعتباری احتمال تعلیق، مشکوک الوصول یا لاوصول شدن بخشی از نهاد اعتباری پولی به دلیل عوامل داخلی (نظیر ضعف مدیریت اعتباری، کنترل های داخلی، پیگیری و نظارت) یا عوامل خارجی (نظیر رکود اقتصادی،

^۱ Terraza

^۲ کشورهای گروه ۱۰: آلمان، سوئد، آمریکا، سوئیس، کانادا، ایتالیا، هلند، فرانسه، بلژیک، ژاپن

^۳ Basel

^۴ The Bank for International Settlements (BIS)

^۵ The Basle Committee on Banking Supervision

^۶ Core Principles for Effective Supervision